

ارزیابی از درگیری ۱۲ روزه اسرائیل و ایران!

بهرام رحمانی

bahram.rehmani@gmail.com

درگیری و یا جنگ ایران و اسرائیل ۱۲ روز طول کشید؛ ۱۲ روز نفس گیر و هولناک و با قربانیان و ویرانی های بی شمار. اسرائیل در ۱۳ ژوئن جنگ هوایی غافلگیرکننده ای را آغاز کرد و نخست به تاسیسات هسته ای و نظامی ایران و سپس به مناطق غیرنظامی نیز حمله کرد و فرماندهان ارشد نظامی را کشت که بدترین ضربه به جمهوری اسلامی از زمان جنگ دهه ۱۹۸۰ با عراق بود. دوازده روز درگیری مستقیم ایران و اسرائیل به یک آتش بس موقت انجامید، اما نه تنها تنش ها پایان نیافته، که توازن قدرت در خاورمیانه را دگرگون کرده است. بازندگان و برندگان اصلی این درگیری چه کسانی هستند؟

به نظرم، بزرگ ترین بازندگان این درگیری، شهروندان عادی ایران و اسرائیل هستند و اکنون زیرساخت های اقتصادی و نظامی ایران به شدت ضربه دیده است. ایرانی که قبل از این با بحران اقتصادی، گرانی و تورم، قطع برق و گاز و غیره روبه رو بود اکنون این بحران ها شدیدتر شده و بار اصلی سنگینی آن نیز بر دوش کارگران و مردم محروم است.

پس از ۱۲ روز درگیری مستقیم، بین ایران و اسرائیل با میانجی گری آمریکا به آتش بس موقت رسیدند، اما تنش ها هم چنان بالا است. اسرائیل با حملات هوایی گسترده به تاسیسات هسته ای و نظامی ایران، ضربه های شدیدی به ایران وارد کرد. اسرائیل، چندین فرمانده ارشد سپاه و دانشمند هسته ای را ترور کرد. در مقابل، ایران با شلیک موشک های بالستیک به تل آویو و حیفا، خسارات قابل توجهی به زیرساخت های اسرائیل وارد آورد. با این حال، برتری هوایی اسرائیل و ناتوانی پدافند ایران در مقابله با جنگنده های پیشرفته F-35، نشان دهنده ضعف راهبردی جمهوری اسلامی ایران در این جنگ بود.

هوایمهای آمریکای نیز در میانه درگیری ها، با بمب های سنگرشکن، تاسیسات اتمی نظز و فردو و اصفهان حمله کرد. ترمپ، رییس جمهور آمریکا، ادعا می کند این تاسیسات را نابود کرده اند اما رسانه ها به نقل از نهادهای آمریکا، اعلام کرده اند به این تاسیسات صدمه چندانی وارد نشده است.

دونالد ترامپ، رییس جمهوری ایالات متحده، ۲۲ ژوئن ۸ شب به وقت شرق آمریکا و سه و نیم صبح یکشنبه در ایران، از حمله «بسیار موفقیت آمیز» بمب افکن های ارتش آمریکا به سه سایت هسته ای ایران شامل فردو، نظز و اصفهان خبر داد و تاکید کرد که سایت اصلی یعنی فردو با مجموعه کاملی از بمب ها هدف گرفته شد.

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل نیز با انتشار پیامی اعلام کرد که این عملیات «با هماهنگی کامل» بین او و رییس جمهوری ایالات متحده و نیز «با هماهنگی کامل عملیاتی» میان ارتش اسرائیل و آمریکا انجام شد.

در همین حال، شبکه آمریکایی سی ان ان به نقل از یک مقام آگاه خبر داد که حمله به تاسیسات فردو با مشارکت ۷ فروند بمب افکن بی-۲ (B-2) انجام شده و طی آن ۱۲ بمب سنگرشکن (Bunker Buster) روی این تاسیسات زیرزمینی ریخته شده است.

گروهی از بمب افکن های رادارگریز بی-۲ با ممداد روز ۲۱ ژوئن-۳۱ مرداد، پایگاه نیروی هوایی وایتمن در میسوری را به قصد انجام عملیات بر فراز تاسیسات هسته ای ایران، ترک کرده بودند و پس از طی مسافت ۱۰ هزار و ۸۰۰ کیلومتری به ایران رسیدند. به نوشته رسانه های آمریکایی، هر فروند از این بمب افکن های رادارگریز ۲ میلیارد دلار ارزش دارد. بی-۲ توانایی حمل سنگین ترین بمب ها را در بُرد پروازی طولانی دارد.

بی-۲ تنها هوایمهایی است که به حمل بمب نفوذگر و عظیم یا GBU-57 که به بمب «سنگرشکن» شهرت یافته، مجهز است؛ بمبی که قدرتمندترین بمب غیرهسته ای جهان به شمار می رود.



بمب افکن بی-۲ (B-2)

هر بمب سنگرشکن وزنی معادل ۱۳ هزار و ۶۰۰ کیلوگرم دارد، حامل ۲ تن ماده منفجره است و توانایی نفوذ تا عمق ۶۱ متری زمین را دارد. بمب‌های سنگرشکن می‌توانند یکی پس از دیگری پرتاب شوند و با هر انفجار متوالی، عملا عمق بیش‌تری را حفاری و منهدم کنند. مطابق برآوردهای موجود، تاسیسات غنی‌سازی در فردو در عمق ۸۰ تا ۹۰ متری زمین ساخته شده و فعلا اطلاعات دقیقی از میزان خسارت وارد شده به آن در جریان حمله آمریکا منتشر نشده است.

مطابق گزارش‌های منتشر شده در رسانه‌های آمریکایی، ارتش ایالات متحده به موازات حمله بمب‌افکن‌های پی-۲ به تاسیسات فردو، دست کم ۳۰ فروند موشک کروزر تاماهاوک که موشک دور برد مادون سرعت صوت است را از یک زیردریایی هدایت‌شونده کلاس اوهایو علیه تاسیسات هسته‌ای اصفهان و نطنز شلیک کرده است. از میزان خسارت وارد شده به این دو تاسیسات نیز خبری منتشر نشده است.

پروفسور کورکیل، رییس بخش کانی‌شناسی و مدیریت پسماندهای رادیواکتیو در دانشگاه بریستول، می‌گوید: «در مورد اورانیوم... تشعشعات واقعا خیلی دور نمی‌روند.»

در عین حال، او گفته است که برای سلامت افراد نزدیک به محل، ممکن است خطراتی وجود داشته باشد. پرفسور کورکیل گفته است که «از نظر جلوگیری از مسمومیت، شخص قطعا مایل نیست ذرات اورانیوم را تنفس کند یا آن‌ها را بخورد به این دلیل که ذرات اورانیوم می‌توانند در سلول‌ها، داخل ریه‌ها یا معده شما حبس شوند و به آرامی، به عوامل رادیواکتیو تجزیه شوند که این باعث آسیب می‌شود.»

علاوه بر آلودگی رادیواکتیو، قرار گرفتن در معرض مواد شیمیایی نیز می‌تواند برای هر کسی که در نزدیکی محل باشد مشکل‌ساز شود. پرفسور سیمون میدلبرگ، متخصص مواد هسته‌ای در دانشگاه بنگور، می‌گوید: «اگر حادثه‌ای رخ دهد و سانتریفیوژها هگزا فلوراید اورانیوم، گاز موجود در سانتریفیوژها را آزاد کنند، یک خطر شیمیایی واقعا شدید رخ خواهد داد.» او می‌افزاید که «اگر این هگزا فلوراید اورانیوم با رطوبت هوا تماس پیدا کند، واقعا حالت خورندگی و سوزاندن را ایجاد می‌کند زیرا ممکن است یک اسید بسیار بسیار قوی را تشکیل دهد.»

اعلام غیرمنتظره ترامپ در روز دوشنبه ۲۳ ژوئن ۲۰۲۵، درباره توافق آتش‌بس میان اسرائیل و ایران این گمانه را مطرح کرد که شاید بمباران رهبران تهران آن‌ها را دوباره به میز مذاکره بکشاند.

در پست پرشور ترامپ در شبکه‌های اجتماعی که از یک «تش‌پس کامل و تمام‌عیار» خبر می‌داد، اشاره‌ای به مفاد توافق، احیای مذاکرات شکست‌خورده هسته‌ای یا سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران نشده است. ذخایری که بسیاری از کارشناسان معتقدند احتمالا از بمباران آمریکا و اسرائیل در امان مانده است.

اندکی بعد، ترامپ اعلام کرد که آتش‌بس میان ایران و اسرائیل «اکنون برقرار است» و از هر دو کشور خواست که آن را نقض نکنند. اما روز بعد در خبرها آمد که هم ایران و هم اسرائیل این آتش‌بس را نقض کرده‌اند.

در حال حاضر، جمهوری اسلامی که احساس ضعف می‌کند، در داخل کشور به شدت واکنش نشان داده است. روز دوشنبه دوم تیر، مقامات ایرانی محمدمدین مهدوی شایسته را به اتهام جاسوسی برای اسرائیل اعدام کردند. هم‌چنین سه کولبر را اعدام کرده است.

وبسایت نورنیوز، نزدیک به شورای عالی امنیت ملی، روز چهارشنبه گزارش داد که ایران ۷۰۰ نفر را به اتهام ارتباط با اسرائیل در طول جنگ ۱۲ روزه دستگیر کرده است و خبرگزاری میزان، وابسته به قوه قضاییه ایران، گزارش داد که ایران روز چهارشنبه سه مرد را به جرم همکاری با سازمان جاسوسی موساد اسرائیل و قاچاق تجهیزات مورد استفاده در یک ترور بدون نام، اعدام کرد.



دونالد ترامپ، علی خامنه‌ای، بنیامین نتانیاهو - مثلث مرگ و نفرت و دروغ و ریا!

تنها در چند روز اخیر، ایالات متحده سه مرکز هسته‌ای ایران را بمباران کرده، ایران در پاسخ موشک‌های بالیستیک به پایگاهی آمریکایی در قطر شلیک کرده، و سپس ایران و اسرائیل بر سر آتش‌بس به توافق رسیده‌اند که از صبح سه‌شنبه ۲۴ ژوئن به اجرا درآمده است.

البته جمهوری اسلامی قبل از این که موشک‌های خود را به پایگاه آمریکایی در قطر شلیک کند خیلی «مودبانه؟» به قطر و از این طریق به آمریکاییان خبر داده بود در نتیجه موشک‌های جمهوری اسلامی هیچ کشته و خرابی به بار نیاورد.

در این روزها، هواپیماها و ریزپرنده‌های اسرائیل فضای ایران را در کنترل خود گرفتند و هر جایی را که مورد هدفشان بود بمباران کردند. حتی گفته شد کوماندوهای اسرائیل وارد ایران شده بودند و پهپادها و ریزپرنده‌های خود را از داخل ایران به پرواز درمی‌آوردند. به طوری که در همان ساعات نخست حمله اسرائیل به ایران، فرماندهان ارشد نظامی و سپاهی ایران پس از خامنه‌ای بالاترین پست‌های نظامی-امنیتی را به عهده داشتند کشته شدند. خامنه‌ای و بسیاری از مقامات ارشد سیاسی، نظامی و امنیتی حکومت به سوراخ موش پناه بردند. به این ترتیب، تا حدودی شیرازه حکومت از هم پاشید و اسرائیل، عملاً نشان داد که در چه حد در میان نهادهای رده‌بالای حکومتی نفوذ کرده است به طوری که نصف شب هم آگاه است که مقامات رده‌بندی نظامی حکومت و حتی دانشمندان هسته‌ای آن در کجا خوابیده‌اند؟!

در مقابل موشک‌های جمهوری اسلامی ایران نیز یکی پس از دیگری در مناطق مختلف این کشور فرود آمدند. هر دو حکومت ارتجاعی و بچه‌کش و جنگ‌طلب، حتی منطق مسکونی و شهروندان عادی را نیز مورد هدف قرار دادند.

در حالی که اسرائیل تعدادی از نظامیان ایران و حدود ۳۰ فرمانده رده‌بالای نظامی ایران را به قتل رساند اما ایران نتوانست حتی یک سرباز اسرائیلی را به قتل برساند.

برتری نظامی اسرائیل و ضعف و درماندگی نظامی جمهوری اسلامی در ۱۲ روز، آشکارا بر همپگان ثابت شد. این ۱۲ روز نشان داد که مقامات جمهوری اسلامی از خامنه‌ای به‌عنوان رهبر و فرمانده کل قوا گرفته سایر نظامات ارشد نظامی-سیاسی چه قدر بی‌مایه و ترسو هستند با این وجود، همواره بر طبل جنگ می‌کوبند و الان پس از آتش‌بس جشن و سرور پیروی راه انداخته‌اند. کدام پیروزی؟ و چرا جشن و سرور؟ جوابی نمی‌توان به این سؤال پیدا کرد!

این جنگ هولناک و وحشتناک بود و طبیعی بود که هر انسان و نیروی آزادی‌خواه و انسان‌دوست، با صدای بلند و رسا، خواهان قطع این جنگ بودند. آن‌ها، بدون این که در سنگر این و یا آن حکومت بایستند راه سوم را انتخاب کردند و با صدای بلند خواهان قطع جنگ شدند. اما در این میان، به ویژه «اپوزیسیون» به اصطلاح «سلطنت‌طلب و شاه‌پرست» تمام قد و علنی‌تر از گذشته، به یک نیروی «نیابتی» اسرائیل و آمریکا تبدیل شدند و رهبر حقیرشان رضا پهلوی در هر اظهارنظر و سخنرانی خود بدون این که کوچک‌ترین انتقادی به جنگ‌طلبی و قلدری آمریکا و اسرائیل داشته باشد، همواره از آن‌ها می‌خواست که سر «اخطاپوس»، یعنی ایران را بزنند.

در آغاز حمله اسرائیل به ایران، گروه‌های سلطنت‌طلب از جمله سوئد در میادین شهرها تجمع شدند و بی‌شرمانه به یاکوبی و جشن و شادی دست زدند و در پایان این درگیری نیز گروهی از آن‌ها در لوس آنجلس تجمع کردند و به نوعی ناراضیاتی خود را از پایان این جنگ و درگیری بین ایران و اسرائیل را ابراز کردند. حتی در خبرها آمده است که رضا پهلوی با شنیدن این خبر، دچار حمله قلبی شده و به بیمارستان انتقال یافته است. احتمالاً بسیاری از این گروه، در حال بستن چمدان‌های خود بودند تا به ایران برگردند و شاید بر روی ویرانه‌های ایران به پست و مقام و نون و نوایی برسند. در این راستا، بلندگوهای پروآمریکایی-اسرائیلی هم چون تلویزیون اینترناشنال، منووتو و شبکه‌های ریز و درشت وابسته به این گروه‌های سلطنت‌طلب و فاشیست و هم‌چنین سایر رسانه‌های فارسی‌زبان دولتی، اخبار و گفت‌وگوهای خود را طوری تنظیم می‌کردند که به نفع دولت و ارتش اسرائیل باشد.

البته در این میان کم نبودند گروه‌های ناسیونالیست کرد و ترک و غیره نیز در کشورهای مختلف به دنبال جلب حمایت دولت‌ها از «خود» و منافع سازمانی‌شان بودند!

در این میان، جالب‌تر از همه، باز همه غیبت خامنه‌ای پس از اعلام آتش‌بس است. در حالی که مردم ایران چشم به تلویزیون داشتند، مجری تلویزیون دولتی ایران پرسشی را مطرح کرد که ذهن بسیاری از مردم کشور. از نخبگان سیاسی و اجتماعی گرفته تا مردم کوچه و بازار را به خود مشغول کرده.

مجری خطاب به یکی از مسئولان دفتر آیت‌الله علی خامنه‌ای گفت: «مردم خیلی نگران رهبر هستند. می‌توانید بگویید حال ایشان چطور است؟»

او اشاره کرد که بینندگان سیلی از پیام‌ها را با همین مضمون فرستاده‌اند. اما مقام مورد نظر، یعنی «مهدی فضائلی»، رییس دفتر اسناد رهبر جمهوری اسلامی، پاسخ روشنی نداد.

فضائلی در عوض گفت او نیز پیام‌های متعددی از سوی مقامات و افراد نگران درباره آیت‌الله، پس از بمباران گسترده اسرائیل و آمریکا، دریافت کرده است.

فضائلی گفت: «همه باید دعا کنیم.» او افزود: «افرادی که مسئول حفاظت از رهبر هستند، به‌خوبی کار خود را انجام می‌دهند. ان‌شاء‌الله مردم مان بتوانند در کنار رهبرشان جشن پیروزی بگیرند، ان‌شاء‌الله.»

آیت‌الله خامنه‌ای، که حرف اول و آخر را در تصمیم‌گیری‌های کلان کشور می‌زند، در نزدیک به یک هفته گذشته -با وجود بحرانی بی‌سابقه که کشور را دربرگرفته- نه در انتظار عمومی دیده شده و صدایی نیز از او شنیده نشده است.

با این حال به گفته مقامات حکومتی، خامنه‌ای در پناهگاهی مخفی به سر می‌برد و برای جلوگیری از سوءقصد از هرگونه ارتباط الکترونیکی خودداری کرده است. هم‌چنان غایب مانده و نه بیانی‌ای عمومی صادر کرده و نه پیامی ضبط‌شده فرستاده است.

محسن خلیفه، سردبیر روزنامه «خانمان» که بر حوزه مسکن و توسعه شهری تمرکز دارد، در گفت‌وگویی اظهار داشت: «غیبت چندروزه رهبر معظم همه ما را که ایشان را دوست داریم، به شدت نگران کرده است.» او، با اشاره به امکانی که تا دو هفته پیش غیرقابل تصور به نظر می‌رسید، افزود: «اگر خدای ناکرده ایشان فوت کرده باشند، مراسم تشییع‌شان باشکوه‌ترین و تاریخی‌ترین خواهد بود.»



آتش‌سوزی مهیب در صدا و سیما جمهوری اسلامی در اثر حمله هوایی اسرائیل

ارزیابی نسبی از خسارات درگیری اسرائیل و جمهوری اسلامی در طول ۱۲ روز

در کم‌تر از دو هفته جنگ، اسرائیل به دستاوردهای عملیاتی بزرگی رسید، از جمله حذف ده‌ها مقام ارشد جمهوری اسلامی، هدف قرار دادن هشت تاسیسات هسته‌ای و ایجاد آسیب شدید به سامانه موشکی ایران.

پس از جنگ ۱۲ روزه اسرائیل و جمهوری اسلامی، تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهند تاسیسات هسته‌ای ایران آسیب دیده‌اند. به گزارش فایننشال تایمز، پس از پایان دور تازه‌ای از درگیری نظامی میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، دو طرف مشغول ارزیابی تلفات و خسارات واردشده به زیرساخت‌های دفاعی، اطلاعاتی و هسته‌ای خود هستند.

گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که هزینه حملات در ایران بسیار بالا بوده است. سامانه‌های پدافند هوایی این کشور از کار افتاده، بسیاری از فرماندهان ارشد نظامی کشته شده‌اند و برنامه هسته‌ای اش دست‌کم با آسیب‌هایی جدی مواجه شده است.

فایننشال تایمز نوشت که در سوی دیگر، خسارات واردشده به اسرائیل هم‌چنان در حاله‌ای از ابهام است: «بخشی به دلیل سانسور نظامی در داخل این کشور و بخشی نیز به سبب نبود تصاویر ماهواره‌ای مستقل از مناطق هدف قرار گرفته.»

حملات ناموفق ایران، تلفات بالای غیرنظامی در اسرائیل

در نخستین روزهای درگیری، گزارش‌هایی مبنی بر کشته‌شدن اسماعیل قآنی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران منتشر شد اما او پس از پایان این درگیری نظامی، در تجمعی در مرکز تهران حضور یافت که به گفته مقامات جمهوری اسلامی، به مناسبت «پیروزی در دفع حملات اسرائیل» برگزار شد.

ظهوری که به نوعی نشانه‌ای از پیچیدگی روایت‌ها و عدم شفافیت وضعیت میدانی دو طرف تلقی می‌شود.

جمهوری اسلامی، گفته است در حملات به اسرائیل موفق به هدف قرار دادن مقر موساد در منطقه گلیبوت، ستاد فرماندهی ارتش اسرائیل در تل‌آویو و چند مرکز مهم اطلاعاتی و انرژی شده است اما تصاویر ماهواره‌ای و ویدیوهای در دسترس عموم، عمدتاً نشان‌دهنده خطا در اصابت موشک‌ها و خسارات وارد شده به مناطق مسکونی بوده‌اند.

برای نمونه، موشک‌هایی که گفته می‌شد به سمت پارک فن‌آوری ارتش اسرائیل در بئر‌شبع شلیک شده بودند، یک ساختمان مسکونی در نزدیکی آن را هدف قرار دادند.

چهار موشک ایرانی نیز که به سوی مقر موساد پرتاب شده بودند، به ساختمانی در آن سوی اتوبان برخورد کردند. مقامات اسرائیلی اعلام کردند محل اصابت، یک پارکینگ اتوبوس خالی بوده است.

هم‌چنین یکی از موشک‌ها در فاصله ۳۰۰ متری از ساختمان کریا، مرکز فرماندهی ارتش اسرائیل، فرود آمد.

با وجود پیشرفته بودن پدافند اسرائیل، ارتش این کشور اعلام کرده که این سامانه‌ها «غیرقابل نفوذ نیستند.»

در مجموع، اسرائیل توانسته است حدود ۹۰ درصد از ۵۵۰ موشک شلیک‌شده از سوی ایران را رهگیری کند.

با این حال، دست‌کم ۲۸ نفر در اسرائیل کشته و بیش از هزار و ۴۰۰ نفر (اغلب به صورت سطحی) مجروح شدند. هزاران خانه و خودرو نیز آسیب دیده یا ویران شده‌اند.

جیم لمسون، تحلیل‌گر سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) و پژوهش‌گر مرکز مطالعات منع گسترش تسلیحات هسته‌ای جیمز مارتین معتقد است: «در مورد ایران، مشکل اصلی دقت است.»

به گفته او، موشک‌های ایران در آزمایش‌های کنترل‌شده دقتی در چند ده متر دارند اما عملکرد آن‌ها در میدان نبرد بسیار ضعیف‌تر بوده است.

برخلاف حملات پراکنده و غیرموثر جمهوری اسلامی، حملات اسرائیل به ایران هم دقیق‌تر و هم ویرانگرتر بودند. بنا بر گزارش مقام‌های محلی، در تهران حدود ۱۲۰ ساختمان به‌طور کامل تخریب و حدود ۵۰۰ ساختمان دیگر به‌شدت آسیب دیدند. برخی از این ساختمان‌ها در اطراف فرودگاه مهرآباد و دانشگاه رجایی قرار داشته‌اند. بنا بر اعلام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در ایران، در جریان این حملات ۶۲۷ نفر کشته و چهار هزار و ۸۷۰ نفر مجروح شدند.

بخشی از این حملات شامل عملیات هدفمند برای کشتن فرماندهان ارشد نظامی و عوامل برنامه هسته‌ای بوده است. در میان کشته‌شدگان، نام‌هایی چون محمد باقری، رییس ستاد کل نیروهای مسلح، حسین سلامی، فرمانده کل سپاه پاسداران و امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران، دیده می‌شود. در میانه درگیری، اسرائیل دامنه هدف‌گیری خود را از زیرساخت‌های هسته‌ای و موشکی به نمادهای حاکمیتی گسترش داد و از جمله صداوسیما جمهوری اسلامی و زندان اوین را هدف گرفت.

یکی از جنجالی‌ترین حملات، حمله به اوین بود. در حالی که آمریکا و اسرائیل تأکید کردند هدف اصلی‌شان (تخریب توانایی تهران برای تولید سلاح هسته‌ای) تا حد زیادی محقق شده، گزارش‌های اولیه نهادهای اطلاعاتی چندان قطعی نبوده‌اند. گزارشی مقدماتی از آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا می‌گوید که برنامه هسته‌ای ایران «کم‌تر از شش ماه» عقب افتاده است و بمب‌ها اگرچه ورودی‌ها و سیستم تهویه تاسیسات را بسته‌اند اما سالن‌های زیرزمینی غنی‌سازی را کاملاً تخریب نکرده‌اند. با این حال، کمیسیون انرژی اتمی اسرائیل چهارشنبه اعلام کرد حمله آمریکا به سایت فردو باعث نابودی زیرساخت‌های حیاتی و «از کار افتادن کامل» این مرکز غنی‌سازی شده است.

تصاویر ماهواره‌ای از سایت فردو که در عمق نیم کیلومتری زمین قرار دارد، ورودی‌های پُر شده با خاک و حفره‌هایی را نشان می‌دهند که ممکن است محل اصابت بمب‌های هدایت‌شونده ۳۰ هزار پوندی آمریکا باشند. هم‌چنین، راه‌های دسترسی به این سایت آسیب دیده‌اند.

جمهوری اسلامی ایران، اعلام کرده تاسیسات فردو و نطنز از مدت‌ها پیش تخلیه شده بودند و آسیبی جدی ندیده‌اند. سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غنای بالا (که در صورت تصمیم سیاسی می‌تواند به چند بمب اتمی تبدیل شود)، هم‌چنان نامعلوم است. در اصفهان نیز تصاویر ماهواره‌ای حاکی از تخریب چند ساختمان در مرکز تحقیقات هسته‌ای جمهوری اسلامی است. محمد سلامی، رییس سازمان انرژی اتمی، سه‌شنبه وعده داد که زیرساخت‌های هسته‌ای در ایران بازسازی خواهند شد. تاسیساتی که تهران بر «صلح‌آمیز بودن» فعالیت آن‌ها تأکید دارد

به دنبال حملات اسرائیل، سامانه‌های پدافند هوایی و برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی نیز آسیب جدی دیده‌اند. به گفته لمسون، بیش از نیمی از انبارهای موشک‌های بالستیک در مناطق غربی و مرکزی ایران آسیب دیده‌اند. یک مقام نظامی اسرائیلی هم گفته است دست کم ۵۰ درصد از پرتابگرهای موشک بالستیک ایران از بین رفته‌اند. فایننشال تایمز نوشت که یکی از مراکز بزرگ ذخیره و پرتاب موشک در نزدیکی کرمانشاه که به‌عنوان پایگاه لجستیکی موشک‌های فاتح و ذوالفقار شناخته می‌شود، نابود شده است.

در تبریز نیز حمله به یک کارخانه ساخت پهپاد وابسته به نیروی هوافضای سپاه پاسداران باعث انفجارهای زنجیره‌ای و آتش‌سوزی‌های چندساعته شد.

جاستین برانک، کارشناس آکادمی سلطنتی خدمات متحد بریتانیا گفت: «واضح است که شبکه پدافند هوایی ایران به‌شدت تضعیف شده، تا حدی که نیروی هوایی اسرائیل می‌تواند روزانه جنگنده‌های تاکتیکی و حتی پهپادهای ارتفاع متوسط را وارد آسمان ایران کند.» او افزود: «این وضعیت باعث می‌شود که هم برنامه دفاع هوایی و هم برنامه هسته‌ای در ایران، در آینده در برابر حملات احتمالی اسرائیل آسیب‌پذیر باقی بمانند.»

کانال ۱۲ تلویزیون اسرائیل نیز در گزارشی به مرور عملیات‌های اسرائیل در ایران و جزئیاتی از آن پرداخت. اسرائیل در این ۱۲ روز، به هزار و ۴۸۰ هدف نظامی در داخل ایران شلیک کردند و هزار و ۵۰۰ بار هواپیماهای اسرائیلی بر فراز ایران پرواز کردند.

بر اساس داده‌های این گزارش، ارتش اسرائیل در این مدت سه هزار و ۵۰۰ محموله مهمات و بمب بر سر ایران فروریخت و اکنون اصلی حملات اسرائیل در تهران بود.

به جز پایتخت، بیش‌تر حملات در غرب ایران متمرکز بود، اما چند موضع در شرق مانند فرودگاه مشهد هم هدف قرار گرفت. طی این حملات، اسرائیل ۶۰۰ عملیات سوخت‌گیری انجام داد.

از اهداف مهم اعلام‌شده اسرائیل در جنگ با جمهوری اسلامی، آسیب زدن به سامانه موشکی ایران بود؛ سامانه‌ای که بنیامین نتانیاهو آن را «تهدیدی واقعی علیه موجودیت اسرائیل» توصیف کرده بود.

بر اساس داده‌های سخن‌گوی ارتش اسرائیل، نیروی هوایی این کشور حدود ۲۶۰ پرتابگر موشک را در ایران منهدم کرد.

این تعداد معادل بیش از نیمی از کل پرتابگرهایی است که جمهوری اسلامی در اختیار داشت. اسرائیل هم‌چنین به ۸۰ سامانه پدافند هوایی جمهوری اسلامی حمله کرد.

تمرکز اصلی حملات اسرائیل، نابودی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و دور کردن تهران از دست‌یابی به بمب اعلام شده بود. بنا بر رصد مرکز داده‌های موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، در موج‌های اولیه حملات، تاسیسات اصلی هسته‌ای در نطنز و اصفهان هدف قرار گرفتند و هم‌چنین تاسیسات هسته‌ای در اراک، پارچین، تهران، کرج و بناب نیز در روزهای نخست نبرد از سوی اسرائیل بمباران شدند.

مقام‌های اسرائیلی بر این باورند که حمله آمریکا در بامداد یکم تیر، ضربه نهایی را به برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی وارد کرد. بمب‌افکن‌های پی-۲ ارتش آمریکا، ۱۲ بمب MOP را روی تاسیسات مستحکم هسته‌ای در فردو و دو بمب دیگر از همان نوع را بر تاسیسات هسته‌ای نطنز فرو ریختند.

فردو و نطنز به‌عنوان مراکز در قلب برنامه غنی‌سازی اورانیوم جمهوری اسلامی شناخته می‌شوند. به‌گفته منابع اسرائیلی، در این حملات تاسیسات فردو به‌شدت آسیب دید و تاسیسات نطنز نابود شد. افزون بر این، آمریکا ده‌ها موشک کروز تاماهاوک به‌سوی تاسیسات هسته‌ای اصفهان شلیک کرد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، درباره این حملات اعلام کرد: «برنامه هسته‌ای ایران به‌طور کامل نابود شد.»



یک ساختمان آسیب‌دیده در تهران بر اثر حملات هوایی روز دوم تیر اسرائیل

هم‌زمان با آسیب واردشده به برنامه هسته‌ای و موشکی ایران، اسرائیل در ضربه نخست خود، شمار زیادی از مقام‌های بلندپایه امنیتی و هم‌چنین شماری از چهره‌های برجسته دست‌اندرکار برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را حذف کرد. حسین سلامی، فرمانده سپاه پاسداران ۲۳ خرداد و در روز نخست حملات کشته شد. محمد باقری، رئیس ستاد کل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، غلامعلی رشید، فرمانده قرارگاه مرکزی خاتم‌الانبیای سپاه پاسداران، امیرعلی حاجی‌زاده، فرمانده نیروی هوافضای سپاه، و ده‌ها فرمانده ارشد و میانی دیگر سپاه از جمله افرادی بودند که در این حملات کشته شدند. دیده‌بان ایران چهارم تیر گزارش داد ۳۰ فرمانده ارشد سپاه پاسداران در جریان جنگ در ۱۲ روزه و حملات اسرائیل کشته شده‌اند.

علاوه بر سلامی، باقری، رشید و حاجی‌زاده، اسامی سایر این فرماندهان به شرح زیر است:

۱. مهدی ربانی، معاون عملیات ستاد کل نیروهای مسلح
۲. میثم رضوانپور، معاون اجتماعی سازمان بسیج
۳. مجتبی معین‌پور، معاون فرمانده قرارگاه سپاه استان البرز
۴. علی محمد مدداللهی، مشاور فرمانده نیروی هوافضای سپاه
۵. عباس نوری، معاون پشتیبانی قرارگاه منطقه‌ای جنوب غرب، نیروی زمینی ارتش
۶. غلامرضا محرابی، معاون اطلاعات ستاد کل نیروهای مسلح
۷. امیر مظفری نیا، فرمانده مرکز تسلیحات ویژه سپند وزارت دفاع
۸. محمد کاظمی، فرمانده اطلاعات سپاه
۹. محسن باقری، معاون اطلاعات سپاه
۱۰. محمد جعفر اسدی، معاون بازرسی کل قرارگاه خاتم‌الانبیاء
۱۱. محمدرضا نصیر باغبان، نماینده فرماندهی در اداره اطلاعات سپاه
۱۲. داوود شیخیان، فرمانده پدافند هوایی نیروی هوافضای سپاه
۱۳. محمد باقر طاهرپور، فرمانده یگان پهپادی نیروی هوافضای سپاه
۱۴. مسعود شنی، رئیس دفتر ستاد فرمانده سابق سپاه، سلامی

۱۵. خسرو حسینی، معاون اطلاعات نیروی هوافضای سپاه

۱۶. منصور صفرپور، فرمانده نیروی هوافضای سپاه پاسداران در منطقه تهران بزرگ

۱۷. امیر پورجودی، معاون فرمانده شاخه پهپادی نیروی هوافضای سپاه

۱۸. مسعود طیب، از فرماندهان نیروی هوافضای سپاه

۱۹. جواد جرسرا، از فرماندهان نیروی هوافضای سپاه

۲۰. حسن محقق، معاون دوم اطلاعات سپاه پاسداران

۲۱. محمد سعید ایزدی، فرمانده لشکر فلسطینی نیروی قدس سپاه

۲۲. محمد تقی یوسف‌وند، فرماندهی حفاظت اطلاعات سازمان بسیج

۲۳. مجتبی کریمی، جانشین فرمانده سپاه استان البرز

۲۴. اکبر عنایتی، معاون اجتماعی سپاه استان البرز

۲۵. علیرضا لطفی، معاون رییس سازمان اطلاعات فرجا

۲۶. بهنام شهریاری، فرمانده واحد انتقال سلاح نیروی قدس سپاه پاسداران

در همان حمله ابتدایی، بیش از ۱۰ گرداننده و متخصص ارشد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی مانند فریدون عباسی و محمد مهدی طهرانچی نیز کشته شدند.

این روند در روزهای بعدی ادامه یافت، اما تاکنون آمار مشخصی از سوی جمهوری اسلامی درباره تعداد مقام‌های نظامی و دست‌اندرکاران برنامه هسته‌ای که در جریان حملات ۱۲ روزه اسرائیل کشته شده‌اند منتشر نشده است. با این حال، سطوح عالی سیاسی جمهوری اسلامی آسیبی ندیدند.

رسانه‌های ایران سوم تیر تایید کردند که یکی از آخرین کشته‌های نظامی در حملات پایانی اسرائیل علیرضا لطفی، جانشین سازمان اطلاعات فرماندهی انتظامی بود که روز دوم تیر در حمله به این مقر جان خود را از دست داد.

سپاه پاسداران هم‌چنین خبر داده بود که محمد تقی یوسف‌وند، فرمانده حفاظت اطلاعات بسیج در لرستان روز دوم تیر کشته شد.

کانال ۱۲ تلویزیون اسرائیل نیز در گزارش خود یادآوری کرد با وجود دستاوردهای گسترده عملیاتی این کشور، اسرائیل هم در این مدت بهای سنگینی پرداخت. بر اساس داده‌های سازمان اورژانس مدآ، ۲۸ اسرائیلی بر اثر اصابت موشک‌های شلیک شده از ایران کشته شدند و یک زن اسرائیلی دیگر در جریان آذیرهای هشدار دچار حمله قلبی شد و جان باخت.

در این مدت، ۱۷ نفر به شدت زخمی شدند، ۲۹ نفر جراحات متوسط برداشتند و ۸۷۲ نفر دچار جراحات سبک شدند.

کشته‌شدگان در شهرهای طمره، ریشون لتسیون، رمت گن، بات یام، پتاح‌تیکوا، بنی براک، حیفا، کریات موتسکین، کریات آتا و بئر شبع بر اثر اصابت مستقیم موشک جان باختند.

بر اساس گزارش کانال ۱۲، در مجموع جمهوری اسلامی ۵۹۱ موشک بالستیک به سوی اسرائیل شلیک کرد، که بیشتر آن‌ها در سه روز نخست جنگ انجام شد.

بر اساس داده‌های موسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل، این موشک‌ها در قالب ۳۸ موج شلیک شدند. حدود ۶۷ موشک از سامانه‌های پدافند هوایی عبور کرده و در خاک اسرائیل فرود آمدند.

سامانه‌های دفاعی اسرائیل حدود ۹۰ درصد از این موشک‌ها را رهگیری و منهدم کردند.

هم‌چنین بیش از هزار و ۵۰ پهپاد به سوی شمال اسرائیل شلیک شد که ۹۹ درصدشان رهگیری و سرنگون شدند.

دست کم ۲۵ خانه در اسرائیل بر اثر شدت آسیب‌ها در معرض تخریب کامل قرار دارند. هم‌چنین حدود چهار هزار پرونده بابت خسارت به خودرو و چهار هزار مورد بابت آسیب به اموال و تجهیزات ثبت شده است.



سه کولبر اعدام شده

اعدام سه کولبر به اتهام همکاری با موساد

در حالی که جاسوسان اسرائیل در بالاترین نهادهای نظامی-سیاسی جمهوری اسلامی نفوذ کرده‌اند و اطلاع دقیقی از محل کار و زندگی مقامات رده بالای حکومت دارند با این وجود، حکومت برای سرپوش گذاشتن بر سوراخ‌های امنیتی خود، شهروندان عادی را جاسوس نشان می‌دهد و آن‌ها را به دست جوخه‌های مرگ خود می‌سپارد.

تنها حدود دو روز پس از برقراری آتش‌بس، رسانه‌های حکومت از اجرای حکم اعدام ادریس آلی، آزاد شجاعی و رسول احمد محمد، کولبرانی که به کمک در انتقال تجهیزات و سلاح مورد استفاده در کشتن محسن فخری‌زاده متهم شده بودند، خبر دادند. در این گزارش‌ها، بدون اشاره به نام فخری‌زاده، از چهره‌های تاثیرگذار در برنامه اتمی جمهوری اسلامی و از فرماندهان سپاه پاسداران، آمده این سه نفر «در پوشش محموله مشروبات الکلی، اقدام به وارد کردن تجهیزات به کشور کردند که در نهایت منجر به ترور یکی از شخصیت‌ها شد.»

محمود علوی، وزیر اطلاعات دولت حسن روحانی، آذرماه ۱۴۰۱ اعلام کرده بود تعقیب عوامل کشتن فخری‌زاده ناکام مانده است. علوی با اشاره به این که نیروهای امنیتی توانستند در پرونده فخری‌زاده، «افراد درگیر در حادثه را مشخص کنند»، گفت: «ما منزل افرادی در غرب تهران را شناسایی کردیم، به سمت آن رفتیم تا نیم ساعت قبل از این که ما برسیم منزل را ترک کردند. بعد در اراک رد آن‌ها را پیدا کردیم و باز هم صحنه را ترک کردند. بعد به همدان رفتند و از همدان به سنندج و بعد به سقز اما چون در سقز دوربین نبود، امکان شناسایی نبود. بعد هم از کشور خارج شدند.»

فخری‌زاده، از برجسته‌ترین چهره‌های برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی، پیش‌تر مدیریت سپند(نهاد زیرمجموعه وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی) را بر عهده داشت.

او هفتم آذر ۱۳۹۹ در جاده آبسرد در حدود ۸۰ کیلومتری شرق تهران به ضرب گلوله کشته شد. در آذر ماه سال ۱۴۰۳، رسانه‌های خارج کشور، نوشته بودند که پنج شهروند کرد براساس اعتراف اجباری به‌دست آمده در شکنجه، به اتهام کمک در انتقال تجهیزات سلاح مورد استفاده در کشتن فخری‌زاده به اعدام و زندان طولانی‌مدت محکوم شده‌اند. ادریس آلی، فرزند صالح، متولد دهم دی ماه سال ۶۸ در روستای دوله گرم سردشت بود. به گفته یک منبع نزدیک به خانواده ادریس، او را که دو فرزند دختر دارد هشت ماه در بازداشتگاه وزارت اطلاعات نگهداری کردند و بعدا به زندان مرکزی ارومیه بردند. آزاد شجاعی، فرزند رحمان، متولد پنجم مرداد ماه سال ۵۸ در سردشت بود. یک منبع محلی به ایران‌اینترنشنال گفت که آزاد و ادریس، کولبر بودند و مشروبات خارجی وارد می‌کردند. آن‌ها در ملاقات با خانواده‌شان گفته‌اند که تحت شکنجه در اعتراف اجباری جلوی دوربین تلویزیون گفته‌اند که تجهیزات سلاح رباتیک به کار رفته در ترور فخری‌زاده را وارد کشور کرده‌اند. رسول احمد محمد هم اهل سلیمانیه عراق بود. به گفته یک منبع مطلع، این کاسبکار مرزی در قلادزه ساکن بود. ماموران امنیتی شماره تلفن او را روی گوشی ادریس پیدا کردند و یک هفته بعد او را دستگیر کردند، یعنی دو سال پس از مرگ فخری‌زاده.

عوامل اصلی ترور که بودند؟

فخری‌زاده ساعت ۱۴:۲۰ روز هفتم آذرماه سال ۱۳۹۹ در در تقاطع جاده فیروزکوه و آبسرد در ۹۱ کیلومتری تهران کشته شد. اگرچه در روایت‌های اولیه از هجوم چند فرد مسلح به خودروی فخری‌زاده گزارش شده بود، اما پس از پنج روز خبرگزاری فارس، وابسته به سپاه پاسداران خبر داد که او با یک تیربار اتوماتیک کنترل از راه دور ترور شده است.

دی ماه همان سال شبکه ۱۳ تلویزیون اسرائیل با پخش تصاویر بازسازی شده، روایتی از ترور فخری‌زاده ارائه کرد که در آن تیرباری که پشت نیسان جاسازی شده بود، از فاصله ۱۵۰ متری به فخری‌زاده شلیک کرد، با دستوری که از طریق هوش مصنوعی از خاک اسرائیل صادر شد.

دو روز بعد از این اتفاق، برخی رسانه‌های نزدیک به سپاه پاسداران، و یک کانال تلگرامی وابسته به کارکنان ارتش، تصویر و مشخصات فردی به نام محسن کیان‌پور، ۳۱ ساله را به‌عنوان یکی از متهمان ترور فخری‌زاده منتشر کردند و از شهروندان خواستند در صورت مشاهده او به وزارت اطلاعات خبر بدهند.

پاییز سه سال پیش، یک افسر موساد به نام خگای ایتکین در مصاحبه‌ای با شبکه ۱۲ اسرائیل، جزئیات بیشتری از عملیات ترور را فاش کرد. ایتکین در زمان ترور فخری‌زاده، مدیر بخش فن‌آوری موساد بود. این شبکه به نقل از این افسر موساد خبر داد فخری‌زاده با یک مسلسل رباتیک به وزن یک تن ترور شد، سلاحی که اسرائیل طی چند ماه به‌طور قاچاقی در قطعات کوچک به ایران فرستاد و در مقصد دوباره سرهم‌بندی شد.

به گفته این افسر موساد، دوربین‌هایی که از قبل در محل ترور نصب شده بود، زوایای دید را در جهت‌های مختلف برای اپراتورهای اسرائیلی فراهم کرد و نرم افزار هوش مصنوعی فاصله زمانی لحظه ورود تصاویر به مرکز راه دور تا زمان بازگشت فرمان به میدان را محاسبه می‌کرد.

علاوه بر این، یک دوربین با نرم‌افزار تشخیص چهره قرار داده شد تا گلوله‌ها فقط به فخری‌زاده برخورد کند و نه همسرش. عملیاتی که کلا سه دقیقه طول کشید و تنها نقصش این بود که قرار بود سلاح رباتیک بعد از ترور جوری منفجر شود که آثاری از آن باقی نماند. منفجر شد، اما تکه‌هایی از آن باقی ماند.

۱۰ روز بعد از ترور فحزی زاده نیروهای سپاه پاسداران و نیروی انتظامی دست کم ۲۰ نفر را در شهر بانه بازداشت کردند. رسانه ههنگاو خبر داد ماموران در جریان تفتیش ده خانه، عکس محسن کیان پور را به شهروندان نشان می دادند. کیان پور عضو تیم حفاظت فخری زاده معرفی شد. ظاهراً ماموران به دنبال کسی بودند که نیسان آبی حاضر در صحنه ترور، به نام او ثبت شده بود. همان موقع، رادیو بین المللی فرانسه به نقل از یک روزنامه نگار عرب ساکن لندن، خبر داد وزارت اطلاعات عکس و مشخصات سه نفر دیگر به نام های حمید باقریناهی، حسن کماندار و غلام سبزواری را برای شناسایی در هتل های کشور توزیع کرده است. با اذعان وزیر پیشین اطلاعات مشخص شده عوامل اصلی مشارکت کننده در این ترور منتسب به موساد، از کشور گریخته اند و جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر شکست اطلاعاتی در این ترور، دست کم سه کولبر را براساس اعتراف اجباری متاثر از شکنجه شدید، به اعدام محکوم کرده است.



هم چنین نگرانی ها درباره خطر اجرای احکام اعدام زندانیان سیاسی محکوم به مرگ که از زندان اوین خارج شده اند و احمدرضا جلالی، پزشک و پژوهش گر ایرانی-سوئدی، پس از انتقال به مکان نامعلوم، افزایش یافته است.

هم زمان با این تحولات، گزارش گر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران اعلام کرد گزارش های نگران کننده ای درباره انتقال زندانیان از زندان اوین دریافت کرده است.

مای ساتو با انتشار مطلبی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «از زمان آغاز حملات اسرائیل گزارش های نگران کننده ای از بازداشت های خودسرانه و اعدام فعالان، روزنامه نگاران، کاربران شبکه های اجتماعی و شهروندان افغانستانی از سوی جمهوری اسلامی و برگزاری محاکمه سریع و غیراصولی آن ها وجود دارد که اصول دادرسی عادلانه را نقض می کند» او در پایان نوشت که این گزارش ها در بیانیه ای مشترک با کمیته حقیقت یاب سازمان ملل مطرح شده است.

حمله اسرائیل به اوین؛ انتقال زنان زندانی به بند قرنطینه قرچک

اطلاعات از وضع کنونی زندان اوین بسیار اندک و پراکنده است. هنوز نمی دانیم وقتی دادسرای اوین تخریب شد، چند سرباز و نگهبان کشته شدند. چند خانواده زندانی و زندانی آنجا حضور داشتند. ما نمی دانیم وقتی بهداری اوین تخریب شد، آیا زندانی آنجا بود؟ مسوولان بهداری چه بلایی به سرشان آمد؟ ما نمی دانیم زندانیان بند امنیتی ۲۰۹ چه شدند. ما نمی دانیم شهروندانی که در موج انفجار اوین بودند، همگی زنده ماندند؟

از وقتی که جنگ آغاز شد، زندانیان نامه نوشتند، خانواده ها به مراجع مراجعه کردند که شرایط جنگی است و بایستی زندانیان ضمن همان شرایط آزاد شوند. امضاها جمع شد. ترتیب اثری ندادند. خانواده ها پریشان و نگران بین خانه و زندان در رفت و آمد بودند. اما به ناگهان یک روز پیش از حمله به اوین، درخواست های مرخصی لغو شد و به هر آن کس که سند هم برای مرخصی گذاشته بود، خبر دادند که از مرخصی خبر نداشت. آیا جمهوری اسلامی می دانست که قرار است اوین هدف حمله قرار گیرد؟ آیا نگرانی داشتند زندانیان در زندان و عدم توجه به درخواست های مکرر وکلای حقوق بشری، زندانیان و خانواده هایشان، نگرانی از احتمال سازماندهی اعتراضات داخلی بود، یا سپری انسانی به آن امید که اسرائیل اوین را بمباران نکند؟

اوین بمباران شد. زنان زندانی در اوین نگرانی داشتند: «انواع و اقسام نیروهای مسلح گارد زندان، یگان ویژه، نوپو و هر نیرویی که فکری را بکنید قبل از آمبولانس ها آنجا بودند. تک تیراندازها در ارتفاق مقابل بند زنان مستقر شدند و به صراحت به زنان زندانی گفتند که اگر به پنجره ها نزدیک شوند، آن ها را با تیر می زنند.»

حد فاصل بمباران تا تاریکی شب، زنان زندانی خودشان بند را از خاک و دیوارهای ریخته رویدند. بهداری که دیگر وجود نداشت، خودشان زخم های یکدیگر را که بر اثر انفجار و موجی که شیشه ها و گلدان ها و آینه ها را شکسته بود و وارد تن شان کرده بود، پانسمان کردند.

بنا به روایت‌های مختلف که در اختیار ایران‌وایر قرار گرفته است، تا شب آب و برق اوین قطع بود. تلفن‌ها اما روی زنان زندانی قطع شده بود. مردان از بندهای مختلف با معطلی بسیار در صف‌های طولانی توانسته بودند که به خانواده‌های خود خبر سلامتی بدهند. زنان اما از همین حق بدهی هم محروم مانده بودند؛ نوعی بی‌کسی جنسیتی.

«بچه‌های مان را شب منتقل نکردند. خیلی از خانواده‌ها از جمله ما هم، دم در بودیم. فردای روز بمباران اوین هنگام انتقال زنان زندانی، میان آن‌ها و زندانبان‌ها درگیری پیش می‌آید. اصلاً زنان نمی‌دانستند که قرار است چه بلایی به سرشان بیاورد یا آن‌ها را به کجا منتقل کنند. این را هم در نظر بگیرید که انتقال زندانی میان زندان‌ها، برای شکنجه و تنبیه زندانی انجام می‌شود. با چنین ذهنیتی، هر زن زندانی که مقاومت می‌کرد، مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفت. با لگد "سایه صیدال" را زده بودند.»

شب تیره با خاک‌های به‌جا مانده از بمباران، زیر رصد نیروهای امنیتی و مسلح در همان اوین صبح می‌شود. زنان زندانی را دستبند می‌زنند و به زندان قرچک منتقل می‌کنند. وقتی زنان زندانی به زندان قرچک می‌رسند، همگی آن‌ها را در بخش «باشگاه» که سوله است، جای می‌دهند.



پس از حمله اسرائیل به زندان اوین، چه بر سر زندانبانان بند زنان آمد؟

نقش مهم آژیر خطر و پناهگاه‌ها در جنگ‌ها

حمله اسرائیل به ایران که از بامداد ۲۳ خرداد آغاز شد، با واکنش موشکی ایران طی ۱۲ روز روبه‌رو گشت و برخی روزها هم شدت آن بسیار بوده است.

با این حال آمار رسمی کشته‌شدگان این حملات ایران به اسرائیل، حدود ۳۰ نفر بوده است.

اسرائیل، هم‌زمان با موشک‌پراکنی سپاه پاسداران، با به صدا در آوردن آژیر خطر و درخواست از شهروندان برای رفتن به پناهگاه‌ها، سعی در کاهش تلفات دارد و در این امر نیز موفق بوده است.

ساخت پناهگاه در اسرائیل چه سابقه و روندی دارد و انواع و ویژگی‌های این پناهگاه‌ها چیست؟

قانون دفاع مدنی اسرائیل در سال ۱۹۵۱ میلادی، سه سال پس از تشکیل این کشور، تمامی خانه‌ها، ساختمان‌های مسکونی و ساختمان‌های صنعتی را به داشتن پناهگاه ملزم کرد.

در دهه‌های اولیه هرچند خانه‌ها یا ساختمان‌های مسکونی یک پناهگاه مشترک داشتند، اما در ایام عادی اکثر ساکنان ساختمان‌ها از آن‌ها به عنوان انباری برای قرار دادن دوچرخه یا وسایل دیگر خود استفاده می‌کردند، ولی زمانی که خطر حمله «فدائیان فلسطینی» یا کشورهای مصر، سوریه و اردن افزایش می‌یافت، انجمن خانه‌ها موظف به بیرون انداختن وسایل تلنبارشده و تمیز کردن پناهگاه می‌شدند. در دهه‌های بعد، حملات موشکی عراق و راکت‌پراکنی از نوار غزه، ساخت‌وساز استحکامات برای دفاع از شهروندان اسرائیل را شتاب داد و آن را وارد مراحل تازه‌ای کرد.

پناهگاه‌ها، به‌ویژه اتاق‌های امن در آپارتمان‌ها و خانه‌هایی که از حدود سال ۱۹۹۱ به بعد ساخته شدند، اکنون جان اسرائیلی‌ها را در برابر حملات موشکی ایران در جنگ جاری بین دو کشور نجات داده است.

حملات عراق و شبه‌نظامیان فلسطینی همچنین موجب شتاب بخشیدن و ارتقای سامانه‌های پدافند هوایی چند لایه اسرائیل، از جمله «گنبد آهنین» و «پیکان-۳» شد؛ سامانه «پیکان-۳» در کنار سامانه‌های «تاد»، در رهگیری صدها موشک شلیک‌شده از سوی ایران در فروردین و مهرماه پارسال و در جنگ جاری بین دو کشور که از ۲۳ خرداد آغاز شده است، نقش مهمی ایفا کرده‌اند.

افزایش درخواست از نهادهای پشت جبهه برای ساخت پناهگاه‌های بهتر در محله‌ها و همچنین وادار کردن تمامی پیمان‌کاران ساختمانی به احداث یک اتاق مستحکم در هر خانه یا آپارتمان تازه‌تأسیس زمانی به قانون تبدیل شد که صدام حسین، رهبر وقت عراق، در جریان اشغال کویت در سال ۱۹۹۱، پس از آن‌که با تهدیدهای ائتلاف نظامی به رهبری آمریکا روبه‌رو شد، ۳۹ فروند موشک بالستیک زمین به زمین به سوی اسرائیل شلیک کرد.

اسرائیل بخشی از ائتلاف ایجادشده به رهبری جرج بوش پدر، رییس جمهور وقت آمریکا، علیه حکومت صدام حسین نبود و در آن سال با کوشش دولت وقت ایالات متحده در نشست‌های بین‌المللی در مادرید، آمریکا و نقاط دیگر برای احتمال به رسمیت شناختن سازمان آزادیبخش فلسطین حضور می‌یافت.

با این حال، صدام حسین زمانی که ارتش خود را زیر حملات سنگین قوای ائتلاف یافت، شلیک موشک‌های اسکاد-سی به سوی اسرائیل را آغاز کرد. در آن زمان این نگرانی وجود داشت که کلاهک موشک‌ها حاوی تسلیحات شیمیایی یا بیولوژیک باشد؛ امری که باعث شد ارتش اسرائیل میان همه شهروندان ماسک‌های سنگین ضد تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک توزیع کرده و آن‌ها را وادار کند تا در زمان خطر حمله موشکی، با زدن این ماسک‌ها به سوی پناهگاه‌ها بشتابند.

بر اساس مقررات تصویب‌شده در سال ۱۹۹۲، آپارتمان‌ها و ساختمان‌های مسکونی جدید باید یک فضای حفاظت‌شده داخلی با دیوارهای ساخته‌شده از بتون مسلح داشته باشند. این فضا باید دست‌کم ۹ متر مربع باشد.

فضای یادشده باید به گونه‌ای باشد که ساکنان را از بمب‌های انفجاری قوی محافظت کند و در برابر ورود گازهای سمی، بیولوژیک، شیمیایی یا حتی پرتوهای رادیواکتیو نفوذناپذیر باشد. این اتاق دارای فیلتر بزرگ هوا است که امکان اقامت طولانی‌مدت را فراهم می‌کند. پنجره این اتاق فولاد سخت است که با یک لایه ضخیم فولادین نیز هنگام ضرورت بسته می‌شود.

از آن دوره به بعد، هر خریدار یا مستاجر خانه و آپارتمان بیش از آن که به امکانات محل توجه کند، این پرسش را مطرح می‌کند که آیا این مکان «ماماد» دارد یا نه. «ماماد» سرواژه عبارت «میرخاو موگان دیراتی»، فضای حفاظت‌شده درون آپارتمانی است.

برخلاف پناهگاه‌های عمومی که شهرداری‌ها و ستاد پشت جبهه موظف به رسیدگی به آن‌هاست و از بودجه عمومی استفاده می‌کند، ساخت «ماماد»ها در آپارتمان‌های جدید وظیفه پیمان‌کار ساختمان است.



اتاق‌های امن

موشک‌های شلیک‌شده از ایران در جنگ جاری منجر به مرگ حدود ۳۰ تن، زخمی شدن ۶۰۰ نفر و ویرانی شماری از ساختمان‌های مسکونی و موسسه علمی وایزمن در شهر رحووت شد و بیش از دو هزار نفر را بی‌خانمان کرد که فعلا در هتل‌ها اسکان یافته‌اند.

تصاویر انتشاریافته از خانه‌های آسیب‌دیده از جمله در یک ساختمان مسکونی ۱۰ طبقه در شهر بت‌یام در روز ۲۵ خرداد نشان داد ساکنانی که در اتاق امن بودند یا به پناهگاه‌های دیگر رفته بودند، از حملات جان بدر برده بودند و ده کشته ساختمان، شامل هفت شهروند اوکراینی، کسانی بودند که در فضاهای دیگر آپارتمان باقی مانده بودند.

تصاویر آپارتمان‌های چند طبقه قدیمی در شهر حیفا مربوط به روز ۲۷ خرداد نیز نشان داد که اتاق مستحکم آپارتمان‌ها با وجود قدیمی بودن سازه، جان ساکنان را نجات داده است.

هم‌چنین تصاویر یک خانه در شهری در مرکز اسرائیل که روز دهم جنگ هدف حمله موشکی ایران قرار گرفت، نشان داد که خانه آسیب زیادی دیده است اما اتاق امن خانه در امان مانده و موجب نجات جان ساکنان شده است.

حدود ۵۶ درصد آپارتمان‌ها و ۶۰ درصد مردم بی‌پناه‌اند

با وجود تمامی مقررات و قوانین تصویب‌شده در ۳۵ سال اخیر، بر اساس گزارش‌های رسمی منتشر شده از سوی سازمان بازرسی کل کشور و مرکز تحقیقات کنست، تا پایان سال ۲۰۲۴ هنوز حدود ۵۶ درصد از آپارتمان‌ها بدون محافظت بوده‌اند و حدود ۶۰ درصد از جمعیت کشور سرپناه ایمن در برابر حملات موشکی و هوایی ندارند.

آخرین گزارش نتانیاهو آنگلن، بازرس کل اسرائیل، پیش از جنگ جاری، حاکی بود که «فقدان برنامه راهبردی» برای مراقبت از مردم یک امر مشهود است؛ «بودجه‌های مقرر زیادی هزینه نشده»، «بی‌نظمی» در مسئولان و نهادهای مرتبط محسوس است، پناهگاه‌های عمومی ناکافی است و دولت‌ها در سال‌های اخیر اقدامات لازم و کافی را به‌ویژه به‌دلایل کاغذبازی‌های پردردسر انجام نداده‌اند و مخصوصاً دولت‌ها نتوانسته‌اند در سال‌های گذشته پناهگاه‌های عمومی بیشتری احداث کنند.

چرا تهران آژیر خطر و پناهگاه ندارد؟

حدود شانزده میلیون جمعیت مردم تهران، پایتخت ایران، بدون آژیر خطر و پناهگاه است. آن هم در حالی که ایران تجربه هشت سال جنگ ایران و عراق را دارد.

در حالی که با پیشرفت تکنولوژی، امکان ارسال هشدار از طریق تلفن همراه وجود دارد، حتی اگر گوشی استفاده نشود یا در کناری گذاشته شده باشد، می‌توان هشدار را دریافت کرد. اما این اقدام نیز در کار نبود.

احمد صادقی، عضو شورای شهر تهران در خصوص آژیر قرمز در زمان حملات هوایی گفت: این وظیفه به عهده ستاد وضعیت اضطراری است تا هشدارها را اعلام کند و مردم بتوانند پناه‌گیری کنند. پیشنهاد من این است که اگر چنین وضعیتی ادامه پیدا کند، حتما باید ستاد وضعیت اضطراری تشکیل شود. البته این نهاد با مدیریت بحران تفاوت دارد. مدیریت بحران فقط برای حوادث غیرنظامی، غیرامنیتی و غیرمسلحانه تعریف شده است، اما در قانون، موضوعات نظامی و امنیتی از مدیریت بحران جدا شده‌اند. پس باید یک ستاد مجزا برای وضعیت‌های اضطراری تشکیل شود که در آن تصمیم‌گیری صورت گیرد.

صادقی با تأکید بر لزوم اطلاع‌رسانی به موقع و دقیق به شهروندان افزود: در شرایط فعلی، باید آژیرهای وضعیت قرمز و سفید تعریف و اطلاع‌رسانی شود تا مردم آگاه باشند. هم‌چنین با پیشرفت تکنولوژی، امکان ارسال هشدار از طریق تلفن همراه وجود دارد، حتی اگر گوشی استفاده نشود یا در کناری گذاشته شده باشد، می‌توان هشدار را دریافت کرد.

او در خصوص ایجاد تیم‌های روان‌شناسی یا برگزاری کارگاه‌های آموزشی آمادگی در برابر مخاطرات در سراهای محلات گفت: این موضوع می‌تواند مسئولیت مدیریت شهری باشد؛ نه این که قانونا متولی آن باشد، اما از جنبه مدیریت شهروندی می‌تواند ورود کند. در زمان حملات، مردم باید اقدام زیستی و امدادی اولیه را در دسترس داشته باشند.

عضو شورای شهر تهران، هم‌چنین تصریح کرد: در شرایط بحران، موضوعی مانند زلزله با حملات امنیتی تفاوت دارد. باید پناهگاه‌هایی در نظر گرفته شود و مسیرها باز بماند تا نیروهای امدادی مانند آتش‌نشانی، هلال‌احمر، اورژانس و خدمات شهری مانند آب، برق و گاز بتوانند به موقع وارد عمل شوند. شهروندان نیز باید از تجمع در محل حادثه خودداری کنند و تنها در صورت درخواست دستگاه‌های امدادی وارد عمل شوند.

این عضو شورای شهر، هم‌چنین به ضرورت حمایت روانی از آسیب‌دیدگان اشاره کرد: سازمان بهزیستی باید متولی ارائه خدمات روانی باشد، اما خانه‌های دوام، ایمنی و سلامت در محلات نیز می‌توانند در کنار خانواده‌های آسیب‌دیده حضور یافته و مشاوره و کمک‌های لازم را ارائه دهند.

سؤال این است که چرا این عضو شورای شهر در بحبوحه جنگ به این فکر افتاده است آن‌ها در حالی که جمهوری اسلامی ایران، تجربه هشت سال جنگ ایران و عراق را کارنامه خود دارد.

از مترو تا سوله‌های بحران؛ راهکارهای اضطراری برای پناه مردم

مهدی چمران در حاشیه سیصد و سی و چهارمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در جمع خبرنگاران شهادت سرداران بزرگ و دانشمندان هسته‌ای و هم‌چنین عده‌ای از فرزندان کشورمان و زنان و مردان و کودکان را خدمت همه ملت عزیز تسلیت گفت.

به گزارش گروه رسانه‌ای شرق، مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران، در حاشیه سیصد و سی و چهارمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در جمع خبرنگاران، چنین اعتراف کرده است:

«متأسفانه در تهران و شهرهای دیگر به صورت کامل پناهگاهی نداریم؛ بایستی با توجه به تجربیات زمان جنگ از همان پناهگاه‌هایی که بعضی مواقع ضروری در بعضی فضاها احداث شده، استفاده کنیم.»

او ادامه داد: «در زمان جنگ برای ساخت پناهگاه ستادی در نخست‌وزیری تشکیل شد که بنده نیز با آن همکاری داشتم و قرار بود پناهگاه‌های مختلفی با طرح‌های مختلفی اجرا شود. حتی یکی از طرح‌های تحقیقاتی که من روی آن کار کردم پناهگاه‌های بتنی پیش ساخته بود که این ظرفیت را داشت در زیرزمین‌ها با قطعات جدا شده نصب و به یک پناهگاه ثابت و محکم تبدیل شود.»

رئیس شورای شهر تهران، تأکید کرد: «می‌بینیم که اسرائیل به خصوص شهر تل‌آویو زیر بمباران شدید و بسیار شدید قرار می‌گیرد؛ گرچه آن‌ها تعداد کشته‌ها را هیچ‌گاه اعلام نخواهند کرد اما به هر حالت تعدادی که کشته می‌شوند تعدادی نیستند که انتظار می‌رود؛ چون بلافاصله همه می‌دانند کجا باید پناه بگیرند، چه کارهایی انجام بدهند و این چیز است که مرتباً تمرین می‌کنند. ما حتی در زمان جنگ هم این تمرین را کم داشتیم؛ حتی در خوزستان و شهر اهواز وقتی جنگ شروع شد به خیابان‌ها آمدیم و شروع کردیم به پناهگاه ساختن.»

او افزود: «در تهران مردم در زیر زمین‌ها و زیر راه پله‌ها سنگر می‌گرفتند تا وضع زمان بمباران به پایان برسد. من فکر می‌کنم که باید کار مهندسی درست صورت بگیرد. خیلی از کشورها، استانداردهای ساختمانی‌شان پناهگاه دارد؛ یعنی همان‌طوری که باید انبار بسازند حتما باید پناهگاه هم داشته باشند؛ حتی کشوری مثل سوئیس پناهگاه مقابله با تشعشعات اتمی را دارد که شرایط خاصی دارد.»

چمران با تأکید بر این که ضرورت دارد ساختمان‌هایی که حداقل بزرگ هستند و فضا دارند بتوانند این پناهگاه‌ها را برای خودشان بسازند، تصریح کرد: «مترو و سوله‌های بحران می‌توانند در شرایط بحرانی پذیرای مردم باشند؛ تونل‌های مترو و خود مترو عمق زیادی دارند، بنابراین پناهگاه‌های مناسبی هستند که می‌توان از آن استفاده کرد...»

«نوش دارو» پس از مرگ «سهراب»!



نتیجه گیری

علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، پس از این که از سوراخ موش خود خارج شد باز هم در تازه‌ترین پیام ویدیویی خود ادعا کرد که جمهوری اسلامی در جنگ با اسرائیل بر این کشور و بر آمریکا پیروز شده و به مردم برای این پیروزی، «تبریک» گفت. او در این پیام هیچ اشاره‌ای به «آتش‌بس» صورت گرفته میان دو کشور نکرد.

جنگ هوایی میان ایران و اسرائیل پایان یافته و آتش‌بس برقرار شده با میانجی‌گری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، بین دو کشور، از روز چهارشنبه ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵، ظاهراً برقرار است.

هر دو طرف روز سه‌شنبه پس از ۱۲ روز جنگ، ادعای پیروزی کردند. استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ به خاورمیانه، اواخر روز سه‌شنبه گفت که مذاکرات بین ایالات متحده و ایران «امیدوارکننده» بوده و واشنگتن به یک توافق صلح بلندمدت امیدوار است.

ویتکاف در مصاحبه‌ای در برنامه «این‌گراهام انگل» شبکه فاکس نیوز گفت: «ما همین حالا هم با هم صحبت می‌کنیم، نه فقط مستقیماً، بلکه از طریق طرف‌های گفت‌وگو. فکر می‌کنم این گفت‌وگوها امیدوارکننده هستند. ما امیدواریم که بتوانیم به یک توافق صلح بلندمدت برسیم که ایران را احیا کند.»

وی افزود: «اکنون نوبت ماست که با ایرانی‌ها بنشینیم و به یک توافق صلح جامع برسیم و من بسیار مطمئنم که به این هدف دست خواهیم یافت.»

آمریکا و متحدانش، ظاهراً به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ضعیف شده و تحت کنترل را از تغییر آن بهتر است. ترامپ در طول ۴۸ ساعت، هم از رژیم‌چنج و هم از عدم رژیم‌چنج، سخت به میان آورد. او در حالی که اعلام کرده بود به ایران دو هفته وقت داده‌ایم تا بر سر میز مذاکره برگردد اما ناگهان هواپیماهای بی‌۲ آمریکایی با بمب‌های سنگرشکن تاسیسات اتمی فردو، نظز و اصفهان را بمباران کردند و با وجود این که جمهوری اسلامی، البته با اطلاع قبلی به پایگاه آمریکاییان در قطر حمله کرد اما ترامپ اطلاع داد که با خواست او، بین ایران و اسرائیل آتش‌بس برقرار شده است. هرچند سرنوشت نهایی این آتش‌بس روشن نیست.

البته ناگفته نماند که این چند ماه نخست ریاست جمهوری ترامپ، همواره شاهد اتخاذ مواضع مختلف و متناقضی از سوی او شاهد بودیم. او شب یک موضعی می‌گیرد و صبح روز بعد، عکس آن را مطرح می‌کند به همین دلیل، ترامپ یک سیاست‌مدار قابل اعتماد و متواضعی نیست اما شامه اقتصادی و تجاری او بسیار قوی است و منافع سرمایه‌داری خود را خوب تشخیص می‌دهد. خامنه‌ای، رهبر و فرمانده کل قوا، از همان روزهای نخست درگیری‌ها، مخفی شد. اصولاً در همه قوانین نظامی جهان، فرماندهی که جبهه را ترک کند و مخفی شود باید دستگیر و محاکمه و زندانی شود و از پست و مقامش برکنار گردد.

در چنین وضعیتی و در غیبت خامنه‌ای، سیاست‌مداران و فرماندهان نظامی مشغول ائتلاف‌سازی و رقابت برای قدرت هستند. برای مثال، در جلسه هیات دولت روز چهارشنبه ۲۵ ژوئن ۲۰۲۵، پزشک‌های اعلام کرد که زمان تغییر در شیوه حکمرانی کشور فرا رسیده است. پزشک‌های در این جلسه، بنا بر گزارش منتشر شده از سوی دفتر ریاست‌جمهوری، به وزرای خود گفت: «جنگ و همبستگی میان مردم، فرصت تغییر در نگاه‌مان به حکمرانی و رفتار مسئولان را فراهم کرده است. این یک فرصت طلایی برای تحول است.»

اما پزشک‌های، رقیب سرسخت و با نفوذی در مقابل خود و دولتش دارد.

یک جناح محافظه‌کار رقیب، به رهبری سعید جلیلی، سیاست‌مداری تندرو و بانفوذ، علناً از پزشک‌های وزیر خارجه‌اش انتقاد کرده است. این جناح، آن‌چه «آتش‌بس غافلگیرکننده» نامیده را زیر سؤال برده و بازگشت به مذاکرات هسته‌ای با ایالات متحده را محکوم کرده است.

در میان این گروه، تندروها اکثریت مجلس را در اختیار دارند، و نیز شماری از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران. فؤاد ایزدی، تحلیل‌گر سیاسی محافظه‌کار نزدیک به جلیلی و سپاه، در مطلبی در شبکه‌های اجتماعی گفت که صحبت‌های پزشک‌های درباره مذاکره این تصور را ایجاد می‌کند که «رئیس‌جمهور ایران شایستگی سیاسی لازم برای اداره کشور را ندارد.»

